The necessity of designing a comprehensive legal system to determine general judicial policies

Mohammadvazin Karimian,[1] Zahra Hadizadeh Esfahani[2]

1.Associate Professor of Judicial Management, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. mv_karimian@ujsas.ac.ir

2. PhD student in Public Administration, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran (Corresponding author). Zahrahadizadeh313@yahoo.com

2024/12/15 – 2025/03/02

Abstract

The Expediency Discernment Council "on 5/2/1377" prioritized the titles of "judicial security" and "public rights". "General judicial policies" (on 28/7/1381), approved for the title of "judicial security"; However, there is no "permanent" general policy for the title of "public rights" in "Collection of General Policies of the System (until 16/08/1402)" regulated by the Secretariat of the Expediency Discernment Council. The general policy of each five-year development plan should also be a time cut from "permanent" general policies, and so, it cannot be considered as a substitute for permanent general policies. Even the titles of general policies and their prioritization need to be revised according to the changes that have occurred over time. Some of developments can be seen as practical changes in the content of some clauses of the "general judicial policies" (on 7/28/1381). Delays, inadequacies and lack of updating in the design of general policies were the motivation of the present research. Information was collected with library methods and information analysis was done with a combination of legal logic and public policy principles, with an open system approach and dynamic balance theory, and it was concluded that design The comprehensive legal system is necessary to determine general judicial policies.

Keywords: public policy, open system approach, general judicial policies, comprehensive legal system, dynamic equilibrium theory.

1. Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

فصلنامه حقوق اداری

سال دوازدهم، بهار ۱۴۰۴، شماره ۴۲

مقاله علمی پژوهشی

ضرورت طراحی سیستم جامع حقوقی برای تعیین سیاست‌های کلی قضایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

محمد وزین کریمیان[۱]؛ زهرا هادی‌زاده اصفهانی[۲]

چکیده

مجمع تشخیص مصلحت نظام در «مصوبه جلسه مورخ ۱۳۷۷/۲/۵»، ازجمله ذیل عنوان کمیسیون حقوقی و قضایی، دو عنوان «امنیت قضایی» و «حقوق عامه» را دارای اولویت تعیین کرد. «سیاست‌های کلی قضایی» (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸)، ظاهرا برای عنوان «امنیت قضایی» تصویب شده است؛ ولی برای عنوان «حقوق عامه» در «مجموعه سیاست‌های کلی نظام (تا ۱۴۰۲/۰۸/۱۶)» تهیه و تنظیم دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (کمیسیون مشترک)، سیاست کلی «دائمی» [موضوعی] یافت نشده است. روشن است که سیاست کلی هر برنامه پنج ساله توسعه نیز باید برش زمانی‌ای از سیاست‌های کلی «دائمی» باشد؛ از این‌رو، نمی‌توان آن را جایگزین سیاست‌های کلی دائمی دانست. به وضعیت موصوف، این نکته را هم باید افزود که حتی عناوین سیاست‌های کلی و اولویت‌بندی آن‌ها باتوجه‌به تحولات واقع‌شده در طول زمان، نیازمند بازنگری هستند. حتی بعضی، این تحولات را تغییر عملی محتوای بعضی از بندهای «سیاست‌های کلی قضایی» (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸) دانسته‌اند. این تاخیرها، نارسایی‌ها و به‌روزنبودن‌ها در طراحی و پیشنهاد سیاست‌های کلی نظام، انگیزه تحقیق درخصوص موضوع، به‌منظور ارائه ساختار حقوقی مناسب را تشکیل داده است. گردآوری اطلاعات با روش‌های کتابخانه‌ای و رجوع به اسناد و مدارک بوده است و تحلیل اطلاعات با ترکیبی از منطق حقوقی و اصول خط‌مشی‌گذاری عمومی، در پرتوی رویکرد سیستم باز و نظریه تعادل پویا صورت پذیرفته است. پژوهش به این نتیجه رسیده است که طراحی سیستم جامع حقوقی برای تعیین سیاست‌های کلی قضایی ضروری است.

واژگان کلیدی: خط‌مشی‌گذاری عمومی، رویکرد سیستم باز، سیاست‌های کلی قضایی، سیستم جامع حقوقی، نظریه تعادل پویا.

[۱]. دانشیار مدیریت قضائی، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران: ایران.mv_karimian@ujsas.ac.ir

[۲] .دانشجوی دکتری رشته مدیریت دولتی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران: ایران (نویسنده مسئول).
Zahrahadizadeh313@yahoo.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

مقدمه

براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام»، از «وظایف و اختیارات رهبر» است. (اصل یکصودهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بند۱). این بند با اصلاحات سال ۱۳۶۸ قانون اساسی به اصل یکصودهم اضافه شده است. اینک، با گذشت بیش از سه دهه تجربه جمهوری اسلامی ایران در تنظیم سیاست‌های کلی، این فرصت فراهم است که روند تنظیم این سیاست‌ها، مورد سنجش علمی واقع شود. نتایج جستجوی صورت‌گرفته، نشان می‌دهد که مطالب علمی ارزشمندی در کتاب‌های دانشگاهی راجع‌به حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران درخصوص کلیات سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و پژوهش‌های علمی متنوعی نیز راجع به سیاست‌های کلی نظام صورت گرفته است؛ ولی پژوهشی جامع با موضوع سنجش علمی روند تنظیم و پیشنهاد سیاست‌های کلی قضایی، با هدف ارائه نظامی حقوقی برای این موضوع، ضروری به نظر می‌رسد.

باید توجه داشت که تاکنون، علاوه بر شش [مجموعه] سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج‌ساله کشور (از برنامه دوم تا برنامه هفتم)، و یک [مجموعه موضوعی] «ادواری» (سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله) (ابلاغی ۱۳۸۸/۹/۳)، سی و هفت [مجموعه موضوعی] («عنوان») سیاست‌های کلی «دائمی» نیز ذیل عنوان‌های مخصوص؛ تنظیم، تصویب و ابلاغ شده‌اند (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (کمیسیون مشترک)، آبان ۱۴۰۲: ۹) که یکی از آنها، «سیاست‌های کلی قضایی» (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸) است. ظاهرا، ذکر عنوان «دائمی» برای سیاست‌های کلی قضایی در «مجموعه سیاست‌های کلی نظام (تا ۱۴۰۲/۸/۱۶)، تهیه و تنظیم: دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (کمیسیون مشترک)، تاریخ چاپ: آبان ماه ۱۴۰۲) برای تمییز آن از هفت «سیاست ادواری» است و این درحالی است که نه‌تنها هیچ سیاست کلی‌ای، «دائمی» نیست؛ بلکه حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، جز «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران» قابل بازنگری است (اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و درخصوص سیاست‌های کلی نظام نیز در «مصوبه مورخه ۱۳۷۶/۱۰/۱۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سیاست‌های کلی»، ذیل عنوان «۲- ویژگی سیاست‌های کلی»، ازجمله این ویژگی تعیین شده است: «۲- پایداری: سیاست‌های کلی باید پس از تعیین و اعلام، در یک

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

زمان معین و نسبتا طولانی ثابت باشند...» (کمیسیون حقوقی و قضایی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تیر ۱۳۹۰: ۱۲). در اینجا، باید توجه داشت که در «حکم مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۵ مقام معظم رهبری در مورد کلیات سیاست‌های کلی»، ازجمله آمده است که «آنچه در تعریف سیاست‌های کلی ذکر شده، درست و حاکی از تعمق در موضوع است.»

(کمیسیون حقوقی و قضایی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تیر ۱۳۹۰: ۸).

اینک، نه‌تنها روند کلی تنظیم سیاست‌های کلی، بلکه روند کلی تنظیم سیاست‌های کلیِ ذیل هر عنوان – مثل سیاست‌های کلی قضایی– نیز شایسته بازسنجی جامع علمی است.

موضوع پژوهشِ منجر به تنظیم این مقاله، کاوش چند و چون تحقق رویکرد سیستم باز و نظریه تعادل پویا در سیر تنظیم سیاست‌های کلی قضایی است؛ با این امیدواری که گامی در راه سنجش آثار عملی این مجموعه سیاست‌های کلی – سیاست‌های کلی قضایی (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸) باشد، سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله (ابلاغی۱۳۸۸/۹/۳)، و [بند] های قضایی مندرج در سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه (ابلاغی ۱۳۷۳/۸/۱۸)، و در سیاست‌های کلی برنامه‌های سوم تا ششم توسعه، به‌ترتیب، ابلاغی تاریخ‌های ۱۳۸۷/۳/۱، ۱۳۸۲/۹/۱، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱، ۱۳۸۸/۹/۳، ۱۳۹۴/۴/۹ و در «سیاست‌های کلی برنامه هفتم» (ابلاغی ۱۴۰۱/۶/۲۱).

این پژوهش، از نظر روش کلی؛ توصیفی–تحلیلی است و گردآوری داده‌ها و اطلاعات، با روش‌های کتابخانه‌ای و رجوع به اسناد و مدارک صورت پذیرفته است. تحلیل اطلاعات با ترکیبی از منطق حقوقی و اصول خط‌مشی‌گذاری عمومی، در پرتو رویکرد سیستمی و نظریه تعادل پویا صورت پذیرفته است.

در تنظیم مطالب این مقاله در راستای هدف طرح، پس از توضیح و تبیین نظریهٔ سیستم باز و کاربست نظریه تعادل پویا در خط‌مشی‌گذاری عمومی، مباحث مربوط به سیاست‌های کلی قضایی ذیل عنوانِ «سیر تحولات متون سیاست‌های کلی قضایی» صورت گرفته است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

۱. رویکرد سیستم باز و نظریهٔ تعادل پویا[1] در خط‌مشی‌گذاری عمومی

در تبیین و توصیف نظریهٔ تعادل پویا، ابتدا می‌بایست درک درستی از سیستم باز داشته باشیم.

یک سیستم، مجموعه‌ای است از اجزای به‌هم‌پیوسته که برای رسیدن به یک هدف مشترک فعالیت می‌کنند. هنگامی که یک سیستم را در تعامل پیوسته با محیط درنظر می‌گیریم، این بدان معناست که یک سیستم باز مورد نظر ماست. در واقع یک سیستم باز، در فراگرد مستمر در قالب تبدیل ورودی به خروجی با محیط در ارتباط است و این حفظ ارتباط، بسیار اهمیت دارد؛ چراکه محیط، هم تامین‌کنندهٔ ورودی‌های یک سیستم و هم مصرف‌کنندهٔ خروجی‌های آن است (رضائیان، ۱۳۹۰: ۷۱).

«سیستم، مجموعه‌ای از اجزای به‌هم‌وابسته است که به‌علت وابستگی حاکم بر اجزای خود، کلیّت جدیدی را احراز کرده و از نظم و سازمان خاصی پیروی می‌نماید و درجهت تحقق هدف معینی که دلیل وجودی آن است، فعالیت می‌کند.» (زاهدی، ۱۳۹۰: ۵). یکی از طبقه‌بندی‌ها در مورد سیستم‌ها، تقسیم آن به سیستم‌های باز و بسته است. سیستم باز، به سیستمی گفته می‌شود که با محیط خود در ارتباط است. سیستم باز، برخلاف سیستم بسته، از یک تعادل پویا برخوردار است؛ بدین‌صورت که باتوجه به شرایط حاکم بر آن، نیاز به تبادل ماده و انرژی با محیط دارد، و از همین طریق است که بر نظم سیستم افزوده می‌شود (زاهدی، ۱۳۹۰: ۹ و ۱۰). نکته قابل‌توجه دیگر در رابطه با تعادل پویای سیستم‌های باز در این است که تلاش می‌شود تا متغیرهای ضروری آن حفظ شود، برای آنکه سیستم بتواند در محدوده‌ای معین به ادامه حیات خود بپردازد (زاهدی، ۱۳۹۰: ۱۵).

در تایید و توجیه دقیق‌تر نظریهٔ تعادل پویا؛ باید گفت که یک سیستم نمی‌تواند یک حصار به دور خود بکشد و هیچ تعاملی با محیط نداشته باشد؛ چراکه یک سیستم باز برای بقاء و ادامهٔ حیات خود باید با محیط، رابطه متقابل داشته باشد، از منابع موجود در آن استفاده کند و به‌صورت متقابل، محصولاتی را نیز به محیط صادر نماید (دفت، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۲). «لودویگ فون برتالانفی» ازجمله متفکرانی است که کمک شایانی به شناخت و ارائه نظریه سیستمی کرده است. درواقع، می‌توان گفت وی واضع نظریهٔ عمومی سیستم‌ها به‌صورت مدون و علمی است. او به‌عنوان یک زیست‌شناس، درزمینهٔ مدل‌های ریاضی به‌خوبی آموزش‌یافته‌است و از مدل‌های ریاضی برای توصیف سیستم‌های فیزیکی استفاده کرده است. از دیدگاه

[1]. Dynamic equilibrium

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

او، سیستم‌های زنده برخلاف سیستم‌های مکانیکی که توسط علم نیوتنی مطالعه گردید، ذاتاً باز هستند. این سیستم‌های زنده باید با محیطشان تعامل کنند و برای زنده‌ماندن به جذب و دفع انرژی بپردازند (غفاری‌نسب و ایمان، ۱۳۹۲: ۴۵).

غیر از برتالانفی، اندیشمندان دیگری نیز هستند که به توضیح و تفسیر نظریه سیستمی پرداخته‌اند؛ ازجمله نیکلاس لومان. لومان، یک جامعه‌شناس بود و از منظر اجتماعی، به پدیده‌ها نگاه می‌کرد. او معتقد بود هر یک از سیستم‌ها ضمن بررسی، باید در یک سیستم کل– یعنی جامعه– دیده شوند و یک سیستم به میزانی که با جامعه ارتباط دارد، بدان تعلق دارد و استقلال آن، موجب آسیب به نظام اجتماعی است. سیستم همیشه از موضوعات واقعی و عینی تشکیل نشده است، بلکه گاهی از مفاهیم انتزاعی شکل گرفته است؛ همچنین، نظام معنایی موجود در جامعه سبب می‌شود کنش‌های یک سیستم به غیر از هدفی که مقصود سیستم بوده، برداشت شود. در نگاه لومان؛ سیستم‌ها با کدهای صفر و یک شناخته می‌شوند: مثلا حقوق با حق و باطل، هنر با زشتی و زیبایی و ... و نکتهٔ دیگر آنکه، مطابق شکل ۱، بین سیستم‌ها در حوزه‌های مختلف، پیوند ساختاری و اتصالات بنیادی وجود دارد (مهدوی و باقری، ۱۳۹۸):



شکل ۱– ارتباط میان سیستم‌های مختلف درون جامعه (برگرفته از مهدوی و باقری، ۱۳۹۸)

بنابراین، نظریه تعادل پویا در سیستم‌ها، چارچوبی را برای درک پیوستگی و پویایی عناصر مختلف درگیر در فرآیند سیاست‌گذاری فراهم می‌کند. هاولت و همکاران[1] (۲۰۰۹)، یکی از معروف‌ترین دسته‌بندی‌های

[1] Howlett et al

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

عناصر زیرسیستم سیاست‌گذاری را ارائه کردند. آنها معتقد بودند که سه بُعد تحلیلی برای جهان سیاست‌گذاری وجود دارد:

- بازیگران: بازیگران متعددی در مراحل فرآیند سیاست‌گذاری درگیر هستند و ترکیب بازیگران سیاست در هر مرحله متفاوت است. درواقع، تدوین و اجرای سیاست‌ها؛ محصول تعاملات بین این بازیگران است. تغییر در عضویت زیرسیستم‌ها ممکن است منجر به تغییر در نتایج سیاست شود.
- نهادها: نقش اصلی نهادها، تأثیرگذاری بر اقدامات بازیگران سیاست ازطریق شکل‌دادن به تفاسیر آن‌ها از مسأله، راه‌حل‌های ممکن و محدودکردن روش انتخاب و اجرای راه‌حل‌هاست.
- ایده‌ها: حیاتی‌ترین ورودی‌ها به فرآیند سیاست‌گذاری، ایده‌ها و اطلاعات هستند که باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های تثبیت‌شده را در پس شیوه درک کنشگران از مسائل و پیشنهاد راه‌حل‌ها شکل می‌دهند (Aslipour & Zargar, 2022: 6-7) .

نظریهٔ تعادل پویا در نگاه سیستمی، سیاست‌های عمومی را به‌عنوان بازده سیستم درنظرمی‌گیرد. سیاست‌گذاری در این دیدگاه، به مجموعه نهادها و فعالیت‌های قابل‌شناسایی اطلاق می‌شود که نیازهای موجود را به تصمیمات معتبری که نیازمند پشتیبانی قشرهای مختلف جامعه باشند، تبدیل می‌کند. همان‌طور که در مطالب پیشین اشاره شد، در تعادل پویای سیستم‌های باز، سیستم قادر به پاسخگویی به نیروهای اطراف خود است و این کار را به‌جهت حفظ خود انجام می‌دهد. به‌عبارت دیگر؛ مطابق شکل ۲، انتظارات و نیازهای جامعه، دروندادهای سیستم، و خروجی آن، سیاست‌های کلی خواهد بود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۳ و ۳۴).

بنابراین، رویکرد سیستمی؛ کمک جدی به درک صحیح فرآیند سیاست‌گذاری می‌کند. نگرش سیستمی در سیاست‌گذاری، برخلاف دیدگاه نهادگرایانه است که این فرآیند را حاصل یک رویه کامل و ثابت در آن می‌داند. باتوجه به پیچیده‌بودن مسائلی که در سیاست‌گذاری با آن مواجه هستیم، نظریهٔ سیستمی، یک راه منطقی برای اتخاذ تصمیمات و اقدامات مهم است (Jenny & Russell, 2001:79) .

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

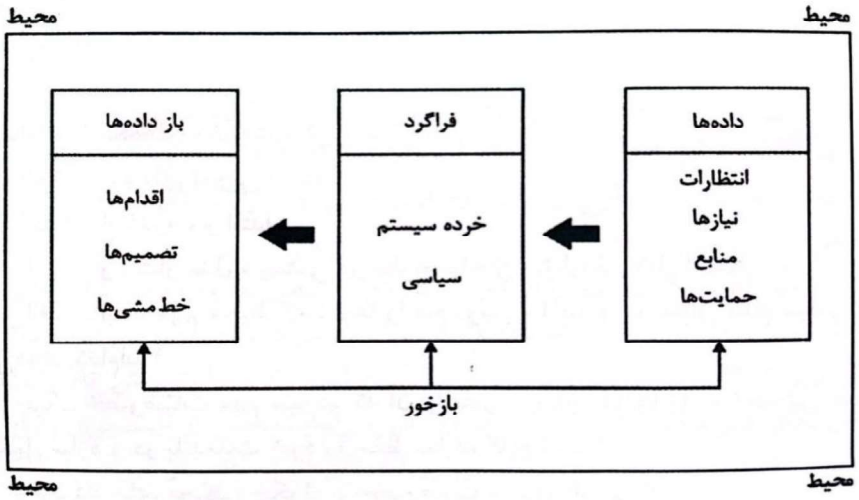

شکل ۲- مدل سیستمی سیاست‌گذاری (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۴ – ۳۳)

طبق ادعای استوارت[1] و آیرس[2] (۲۰۰۱)، به‌کارگیری نظریهٔ سیستمی در سیاست‌گذاری، کاربردهای مختلفی دارد که دو نمونه از مهم‌ترین آنها دو مورد زیر است:

- اتخاذ بهترین سیاست و
- روش پیاده‌سازی سیاست‌ها.

همچنین، معتقدند که رویکرد سیستمی به‌طور غیرمستقیم، و بیشتر براساس میزان علاقهٔ سیستم نسبت به به‌کارگیری آن استفاده می‌شود. درمجموع، هنگامی که تطبیق با مسائل و مشکلات روز به‌عنوان عامل اساسی در انتخاب سیاست‌ها باشد، رویکرد سیستمی؛ جذابیت‌های قابل‌توجهی را برای متولیان امر می‌تواند به ارمغان بیاورد (Jenny & Russell, 2001:91 - 92).

بر اساس نظر صناعی و شیخ الاسلامی کندلوسی (۱۳۹۷)، موانع تحقق تفکر سیستمی در اتخاذ سیاست‌ها، می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

[1]. Stewart
[2] .Ayres

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]
[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

– تمرکز بر وقایع: ما زندگی را به‌صورت مجموعه‌ای از رخدادها و وقایع می‌دانیم و برای هر اتفاق نیز یک دلیل روشن ارائه می‌کنیم. تمرکز بر روی وقایع، ما را از یافتن الگوی تغییرات درازمدت که در پشت رخدادها نهفته است، محروم می‌سازد.

– دام تفکر دوگانه نگرش (صفر و یک): تفکرِ یا این یا آن، به ایستایی تفکر می‌انجامد. سیاه یا سفیددیدن پدیده‌ها، نوعی ساده‌اندیشی است و با پیچیدگی‌های جهان کنونی منطبق نیست. کسانی که چنین عمل می‌کنند، بدون اینکه بخواهند، خلاقیت را نابود می‌کنند. غالبا فکر می‌کنند کار مطلوبی انجام می‌دهند، اما به دام تفکر دوگانه‌ای که برای خود ساخته‌اند، آگاه نیستند.

– تفکر قالبی رسمی: گفته شده است که کودکان، پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای در درک تفکر سیستمی دارند. بزرگسالان از طریق سیستم‌های آموزش، با تفکر خطی و قالبی خوگرفته‌اند و رهایی از این روش تفکر برای آنان دشوار است. پیش‌فرض‌ها و تصورات قبلی، ذهن ما را تحت‌کنترل دارند. تشخیص این قیود خودنهاده هم مشکل است. به‌همین دلیل است که معمولا زمانی که یک راه‌حل معما به ما نشان داده می‌شود، تعجب می‌کنیم. به‌عبارت دیگر، ما در حل مسائل، مرز سیستم مورد نظر را به‌درستی تعیین نمی‌کنیم.

– توجه به علائم به جای علل پیچیده: ریشهٔ بسیاری از ناتوانایی‌های ما در شرایط پیچیده، گم‌کردن حلقه علیّت و دیدن فقط قسمتی از آن است.

– توجه به کمیّت: توجه صرف به عدد و رقم، از موانع تحقق صحیح تفکر سیستمی است. توجه به اندازه یا تعداد، مقوله‌ای است که به تعبیر «راسل ایکاف» به «رشد» مرتبط است، نه «توسعه».

– تفکر تحلیلی: اصول تفکر در عصر ماشین، آن‌گونه که رنه‌دکارت تشریح کرده، عمدتا بر این پایه بود که هر مشکل یا موضوعی را تا حد امکان باید به اجزای کوچک‌تر تجزیه کرد. این روش تفکر، روش تحلیلی است که تنها یک نوع روش تفکر محسوب می‌شود. تفکر، فقط تحلیل نیست. در تفکر سیستمی، باید از روش ترکیبی استفاده کرد (صناعی و شیخ‌الاسلامی کندلوسی، ۱۳۹۷: ۹۱–۸۹).

برخی از محققان، موارد زیر را به‌عنوان موانع تحقق تفکر سیستمی در پیاده‌سازی سیاست‌ها ذکر کرده‌اند:

– ابهام در اهداف سازمانی (فراحی و وظیفه، ۱۳۹۴: ۲۶)؛

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

– فردگرایی مدیران دولتی و تمرکز قدرت در یک نقطه (فراحی و وظیفه، ۱۳۹۴: ۲۶)؛
– تصمیم‌گیری بطئی و ناتوانی در واکنش سریع به تحولات محیطی (درویشی و جهانی، ۱۳۹۴: ۴)؛
– برخورد صوری و شعاری در قبال ارائه خدمات (درویشی و جهانی، ۱۳۹۴: ۵)؛
– پیچیدگی زیاد محیط و عدم شناسایی دقیق و انطباق با آن (درویشی و جهانی، ۱۳۹۴: ۶)؛
– مشکل هزینه و تخصیص نامناسب بودجه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ورودی‌های سیستم (درویشی و جهانی، ۱۳۹۴: ۶)؛
– عدم ارتباط و هماهنگی میان سایر سیستم‌ها (سازمان‌ها)، (پویا و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹)؛
– ضعف سیستم بازخورد (پویا و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰)؛
– ناآگاهی و ناآشنایی با تفکر سیستمی در مدیران دولتی (پویا و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰).

بیان مطالب بالا برای استفاده از تجویزات علمی در سنجش روند واقع‌شدهٔ طراحی و پیشنهاد سیاست‌های کلی قضایی است.

منظور از سیاست‌های کلی، اصولی است که به وسیلهٔ مراجع ذی‌صلاح وضع می‌شوند و به مثابه یک الگو، فعالیت‌های مهم در جامعه را راهبری می‌کنند (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۴).

مقام رهبری، عالی‌ترین مقام روحانی و سیاسی کشور است که در رأس تشکیلات کشور قرار دارد و با رهنمودهای خویش، قوای سه‌گانه را هدایت، و سیاست دولت را رهبری می‌کند. (طباطبائی موتمنی، ۱۳۹۹: ۳۲)

۲. سیر تحولات متون سیاست‌های کلی قضایی

در اینجا، اطلاعات راجع‌به تعیین عناوین سیاست‌های کلی و اولویت‌بندی آن‌ها، عنوان‌های دارای اولویت، ضرورت وضع سیاست‌های کلی قضایی «دائمی» [موضوعی] برای سایر عنوان‌های مصوبِ ذیل عنوان «امور قضایی»، ضرورت به‌روزرسانی مجموعه عناوین سیاست‌های کلی قضایی و ضرورت به‌روزرسانی متن بعضی از سیاست‌های کلی قضایی تحلیل خواهند شد. در آخر، مسأله کلی نسبتِ متن تغییردهنده با متن تغییریافته در موضوع سیاست‌های کلی نظام مطرح خواهد شد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]
[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

۱-۲. تعیین عناوین سیاست‌های کلی و اولویت‌بندی آن‌ها

در «مصوبه مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۱۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام درمورد سیاست‌های کلی» ذیل عنوان «دسته‌بندی عناوین و موضوعات سیاست‌های کلی»، عنوان«ه -امور حقوقی و قضایی» درج شده است که در آن، [ردیف] «دوم» به «امور قضایی» اختصاص داده شده است که شامل: ۱- امنیت قضایی، ۲- پیشگیری از وقوع جرم، ۳- اصلاح مجرمان- نظام اقدامات تامینی و تربیتی و زندان‌ها، ۴- استقلال قضات و ۵- آیین دادرسی اسلامی.

از این عنوان‌ها، تنها، عنوان «امنیت قضایی» دارای عنوان فرعی است: تنها یک عنوان فرعی: ۱-۱- دسترسی به دادگاه‌های صالح (کمیسیون حقوقی و قضایی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تیر ۱۳۹۰: ۲۵-۹).

این مصوبه با نامه (گزارشِ «در اجرای فرمان ۱۳۷۵/۱۲/۲۷») مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۲۵ رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام به مقام معظم رهبری ارائه شد و ایشان، در «حکم مورخ ۷۷/۱/۱۵ مقام معظم رهبری در مورد کلیات سیاست‌های کلی»، ازجمله فرمودند که: «شایسته‌تر آن است که تعیین عناوین دارای اولویت نیز به وسیله خود آن مجمع محترم آغاز و انجام یابد.» (کمیسیون حقوقی و قضایی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تیر ۱۳۹۰: ۹-۵) .

۲-۲. عنوان‌های دارای اولویت

«امنیت قضایی» در «مصوبه جلسه مورخ ۱۳۷۷/۲/۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره اولویت‌های کلیات سیاست‌های کلی»، یکی از دو عنوان ذیل کمیسیون حقوقی و قضایی ذکر شده است. عنوان دارای اولویت دیگر، «حقوق عامه» است. ظاهرا، برمبنای این اولویت‌بندی است که سیاست‌های کلی قضایی تنظیم، تصویب و ابلاغ شده است (۱۳۸۱/۷/۲۸).

در ابتدای سیاست‌های کلی قضایی (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸) چنین آمده است:

> «۱- اصلاح ساختار نظام قضایی کشور درجهت تضمین عدالت و تامین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت با اهتمام به سیاست‌های مذکور در بندهای بعدی.» اگر عبارت «تضمین عدالت و تامین حقوق فردی و اجتماعی» در این سیاست کلی قضایی، تفصیل عنوان «امنیت

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

قضایی» دانسته شود، سیاست‌های کلی قضایی ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸ باید برای عنوان «امنیت قضایی» تنظیم، تصویب و ابلاغ شده باشد.

۳-۲. نبود سیاست کلی قضایی «دائمی» [موضوعی] برای سایر عنوان‌های مصوبِ ذیل عنوان «امور قضایی»

بدین‌ترتیب، با توجه به عنوان‌های فرعی ذیل عنوان «امور قضایی» – مذکور در بالا–، سیاست‌های کلی قضایی ابلاغی ۱۳۸۲/۰۴/۰۸ حتی با دقت در محتوای بندهای آن، تنها بخشی از امور ذیل عنوان «امور قضایی» را پوشش داده است. به‌بیان دیگر، بخشی از عنوان‌های فرعی ذیل عنوان «امور قضایی»، همچنان بدون سیاست کلی «دائمی» [موضوعی] باقی مانده است.

حتی برای عنوان «حقوق عامه» که به شرح مذکور در بالا، یکی از دو اولویت مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است نیز در مجموعه گردآوری‌شده تا تاریخ ۱۴۰۲/۸/۱۶ – مورد استناد در بالا– سیاست‌های کلی «دائمی» [موضوعی] به‌چشم نمی‌خورد. این درحالی است که در «نسخه ارتقاءیافته سند تحول قضایی»، در مورد ماموریت: ۱– «احیاء حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» (بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی)، چالش ۱ (از چهار چالش)، «فراوانی مصادیق تضییع حقوق عامه» است که برای آن، چهار عامل تشخیص داده شده است که: «عامل ۱: تشتت نظرات و رویه‌ها در حقوق عامه» است. روشن است در چنین وضعیتی که در سند مذکور منعکس شده است، موجود بودن سیاست‌های کلی «دائمی» [موضوعی] ذیل عنوان «حقوق عامه» تاچه‌اندازه می‌توانست – و می‌تواند — راهگشا باشد.

پیش از سند مذکور نیز، دستورالعمل «نظارت و پی‌گیری حقوق عامه» در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۳ با شماره ۹۰۰۰/۵۳۷۹۸/۱۰۰ از سوی رئیس قوه قضائیه منتشر شده است. این دستورالعمل، «به استناد بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و مواد ۲۲، ۲۹۰ و ۲۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری» صادر شده است.

به موجب بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» از «وظایف» قوه قضائیه است. به موجب ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری۱۳۹۲، «حفظ حقوق عمومی» یکی از «منظور»های تشکیل «دادسرای عمومی و انقلاب» و «دادسرای نظامی» است. ماده ۲۹۰ قانون مذکور مقرر کرده است که «دادستان کل کشور مکلف است در جرایم راجع‌به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوا دارد، از طریق مراجع ذی‌صلاح داخلی، خارجی و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

یا بین‌المللی پیگیری و نظارت نماید.» و ماده ۲۹۳ قانون یادشده نیز مقرر کرده است که «هرگاه در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور خیریه و اوقاف عامه و امور محجورین و غایب مفقودالاثر بی‌سرپرست حکم قطعی صادر شود و دادستان کل کشور، حکم مذکور را خلاف بیّن موازین شرعی و یا قانونی تشخیص دهد، به‌طور مستدل از دیوان عالی کشور درخواست نقض حکم را می‌نماید. ...».

اقدام شایسته رئیس وقت قوه قضائیه در صدور دستورالعمل مذکور نمی‌تواند جایگزین «سیاست‌های کلی قضایی» حقوق عامه شود. هر متصدیِ هر امر عامه در هر یک از قوای سه‌گانه، متصدی حفظ حقوق مربوط به امر تحت تصدی خود نیز هست و آنچه در دستورالعمل مذکور مدِنظر است، نظارت قضایی بر، و پیگیری قضاییِ حقوق عامه است؛ کمااینکه دعاویِ برای استیفای قضایی حقوق عامه نیز باید نزد مقام قضایی ذی‌صلاح مطرح شود و چنین به‌نظر می‌رسد که مواد ۲۹۰ و ۲۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری و دستورالعمل مذکور، ازجمله به‌منظور تحقق درست و کامل وظیفه یادشده متصدیان امور عامه است.

به‌ویژه اینکه، در «نسخه ارتقاءیافته سند تحول قضایی»، به شرح ارائه‌شده در بالا، اولین عامل چالش «فراوانی مصادیق تضییع حقوق عامه»، «تشتت نظرات و رویه‌ها در حقوق عامه» دانسته شده است.

البته ممکن است گفته شود که شاید بخشی از این عقب‌ماندگی از عنوان‌های مصوب، در سیاست‌های کلی برنامه‌های چهارم (ابلاغی ۱۳۸۲/۹/۱) تا ششم توسعه و سیاست‌های کلی برنامه هفتم جبران شده است. بااین‌وجود، باید توجه داشت که از نظر منطق سیاست‌گذاری، سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله باید برای تحقق سیاست‌های کلی «دائمی» [موضوعی] در بازه‌های زمانی پنج‌ساله تنظیم شوند؛ به‌عبارت‌دیگر، حتی سیاست‌های کلی چند برنامه متوالی پنج‌ساله را نمی‌توان جایگزین سیاست‌های کلی «دائمی» [موضوعی] به‌حساب‌آورد.

٤-۲. ضرورت به‌روز رسانی مجموعه عناوین سیاست‌های کلی

مسأله دیگر، ضرورت به‌روزرسانی «عناوین و موضوعات سیاست‌های کلی قضایی» است. چنان‌که در بالا بیان شده است، سیاست‌های کلی قضایی (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸) در راستای یکی از عنوان‌های تعیین‌شده در «دسته‌بندی عناوین و موضوعات سیاست‌های کلی» در مصوبه مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۱۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام – عنوان امنیت قضایی — و با توجه به «مصوبه جلسه مورخ ۱۳۷۷/۲/۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام دربارهٔ اولویت‌های کلیات سیاست‌های کلی»، تنظیم، تصویب و ابلاغ شده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

اینک، روشن است که باتوجه‌به گذشت بیش از دو و نیم‌دهه از تعیین و دسته‌بندی عناوین سیاست‌های کلی و تحولات واقع‌شده در این مدت در قلمروی موضوعی قضاء و یا موثر بر این قلمرو، این عناوین و اولویت‌بندی آن‌ها باید به‌روز شود.

یکی از جلوه‌های اساسی این تحولات موثر در قلمروی موضوعی قضاء، تنظیم، تصویب و ابلاغ «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی» (ابلاغی ۱۳۸۲/۸/۱۳) بوده است (کمیسیون حقوقی و قضایی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تیر ۱۳۹۰: ۴-۳). به موجب این سند، «جامعهٔ ایرانی در افق این چشم‌انداز، چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی با تاکید بر: مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی. ...» (کمیسیون حقوقی و قضایی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، تیر ۱۳۹۰: ۳). روشن است که همه عناوین مورد تاکید در این متن منقول، مفاهیمی دارای مضامین وسیع و عمیق حقوقی‌اند.

۵-۲. ضرورت به‌روزرسانی متن بعضی از سیاست‌های کلی

ظاهرا، می‌توان چنین استنباط کرد که بعضی از متون تنظیم‌شده (غیر«سیاست کلی قضایی») در بازه زمانی پس از تصویب سیاست‌های کلی قضایی که ظاهرا ولو اجمالی، مورد تایید مقام معظم رهبری نیز واقع شده‌اند را می‌توان یک تحول و یا حتی چرخش سیاستی به‌حساب‌آورد.

ازجمله متن «راهبرد ۱: توسعه روش‌های حل اختلاف جایگزین رسیدگی قضایی» برای «عامل ۱: کثرت و افزایش پرونده‌های ورودی به قوه قضائیه» از «چالش ۲: اطاله در فرایند رسیدگی» در «فصل دوم: برنامه تحول» در «نسخه ارتقاءیافته سند تحول قضایی» – منتشرشده در روزنامه رسمی کشور، با شماره ۹۰۰۰/۱۳۹۲۳۵/۱۰۰ تاریخ ۱۳۹۹/۹/۳۰ (https://www.rrk.ir/Law/) تاریخ رجوع: ۱۴۰۲/۱۲/۱. «پیگیری» این سند آن‌چنان‌که در نامه ابلاغ آن، از سوی رئیس وقت قوه قضائیه خطاب به اعضای «شورای عالی قوه قضائیه» و روسای دادگستری استان‌های سراسر کشور (منتشرشده در همان شماره روزنامه رسمی کشور) آمده است، «مورد تاکید مجدد» مقام معظم رهبری است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

روشن است که «راهبرد» نقل‌شده در بالا تغییری عملی– نه تغییر متن– است، در سیاست کلی شماره ۵ از «سیاست‌های کلی قضایی» (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸)، (۵– تمرکزدادن کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضائیه با تعریف ماهیت قضایی و اصلاح قوانین و مقررات مربوط براساس آن و رسیدگی ماهوی قضایی به همه دادخواهی‌ها و تظلمات). البته، باتوجه به این‌که در سیاست‌های کلی قضایی (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸)، سیاست کلی «۹– استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی» نیز درج شده است، شاید بتوان تغییر عملی سیاست کلی شماره ۵ مذکور را درعین‌حال، عمل به سیاست شماره ۹ مذکور دانست. در این‌صورت، این پرسش قابل طرح است که آیا ۲ سیاست مذکور (۵ و ۹) تا حدودی دارای تعارض محتوایی نیستند؟

در همان سند تحول قضایی، برای راهبرد منقول، ازجمله، این راهکارها تعیین شده است: «راهکار ۳: ارتقاء نظام میانجی‌گری ...» و «راهکار ۴: ارتقاء و ساماندهی نظام داوری با... و تقویت و توسعه داوری حرفه‌ای و سازمانی... ».

راهبرد منقول در بالا در حدِ نوشته باقی نمانده است. برای راهکارهای شماره ۳ و ۴ منقول در بالا، اقداماتی شده است؛ ازجمله: تصویب «دستورالعمل ساماندهی حل و فصل اختلافات از طریق داوری و ایجاد و توسعه نهاد داوری» از سوی رئیس قوه قضائیه با شماره و تاریخ ۹۰۰۰/۷۵۷۷۵/۱۰۰ – ۱۴۰۰/۱۱/۱۳.(https://rc.majlis.ir/fa/law/show/16813310) تاریخ رجوع: ۱۴۰۲/۱۲/۳؛ و تصویب «شیوه‌نامه جذب، آموزش، صدور و لغو پروانه داوری و تاسیس نهاد داوری» از سوی رئیس مرکز توسعه حل اختلاف، به تاریخ۱۴۰۱/۴/۷.

به‌موجب ماده ۳ دستورالعمل مذکور، «برنامه‌ریزی، اعطای پروانه و تمدید آن، لغو پروانه، ساماندهی و نظارت در حوزه داوری برعهده مرکز توسعه حل اختلاف است. این مرکز می‌تواند بخشی از وظایف خود را به کانون‌های داوری واگذار نماید.» و به‌موجب ماده ۵ این دستورالعمل، «کانون داوری، نهادی غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل است که بر طبق اساسنامه مصوب و با تایید و نظارت مرکز در استان‌ها تشکیل می‌شود...». به‌علاوه، «شیوه‌نامه نحوه جذب، آموزش، صدور و لغو پروانه داوری و تاسیس نهاد داوری» در ۱۴۰۱/۴/۷ به تصویب رئیس مرکز توسعه حل اختلاف رسیده است.

اقدامات مربوط به دستورالعمل مذکور، وارد روند عملی نیز شده است. ازجمله، بنابر اظهار آقای مقدس، «معاون داوری و میانجیگری مرکز حل اختلاف قوه قضائیه» در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۷ در «جلسه اولین مجمع

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

عمومی کانون داوران حرفه‌ای» برای ۸۴ نفر در استان تهران و ۵۸۱ نفر در کل کشور پروانه صادر شده است. (https://mizanonline.ir/fa/news/4757197) تاریخ رجوع:۱۴۰۲/۱۲/۳.

٦-۲. مسأله کلی نسبت متن تغییردهنده با متن تغییر یافته در موضوع سیاست‌های کلی نظام

این نکته، شایسته پژوهشی مخصوص است که در چنین مواردی، چه الگویی از الگوهای تفکّر و تحلیلِ حقوقی برای تحلیل نسبت بین متن تغییردهنده با متن تغییریافته – بر فرض نبود تردید در وقوع تغییر– مناسب است؟ آیا می‌توان «نسخه ارتقاءیافته سند تحول قضایی» با توجه به نظر مقام معظم رهبری دربارهٔ آن را در سطحی از سطوح سلسله‌مراتب متون مصوب هنجارهای حقوق عمومی دانست که توانایی تغییر متن مصوب سیاست کلی را داشته باشد؟ - اگر اساسا بتوان آن را هنجار حقوقی دانست.

حساسیت و اهمیت این موضوع از اینجا ناشی می‌شود که مثلا اگر راهبرد «توسعه روش‌های حل اختلاف جایگزین رسیدگی قضایی» در «برنامه تحول» در «نسخه ارتقاءیافته سند تحول قضایی» (منتشر شده در ۱۳۹۹/۹/۲۲)، مخالف سیاست «... رسیدگی ماهوی قضایی به همه دادخواهی‌ها و تظلمات» (بند ۵ در «سیاست‌های کلی قضایی»، ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸) دانسته شود، برچه مبنایی به آن اعتبار رسمی و عملی به شرح بالا داده شده است؟

در پاسخ، باید به این نکته توجه داشت که «دستورالعمل ساماندهی حل و فصل اختلافات از طریق داوری و ایجاد و توسعه نهاد داوری»، ۱۴۰۰/۱۱/۱۳ - با مشخصات مذکور در بالا – « در اجرای بند الف ماده ۱۱۶ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی و در راستای ساماندهی و ارتقای نظام داوری به‌عنوان یکی از راهکارهای «توسعه روش‌های حل اختلاف جایگزین رسیدگی قضایی» مندرج در فصل دوم سند تحول قضایی» است.

بند الف ماده ۱۱۶ قانون برنامه پنج‌ساله ششم ... : در راستای کاهش مراجعه مردم به مراجع قضائی و تسریع در حل و فصل اختلافات، قوه قضائیه مکلف است با همکاری دولت به‌منظور افزایش حل و فصل

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

اختلافات از طریق داوری، ایجاد و توسعه نهادهای داوری و اعتمادسازی و ایجاد اقبال عمومی و حمایت از آنها، تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه تمهیدات لازم را پیش‌بینی نماید.

باتوجه به تصویب قانون مذکور در مجلس شورای اسلامی، و تشخیص موافقت آن با مصلحت نظام در مجمع تشخیص مصلحت نظام، در فضای اعتبار و بافرض حقوقی، بند الف منقول در بالا را نمی‌توان مخالف سیاست‌های کلی قضایی تلقی کرد.

بااین‌وجود، از نظرگاه علم حقوق، این‌گونه تغییرهای سیاست کلی نظام را نمی‌توان معتبر دانست. هرگونه تغییر در سیاست‌های کلی نظام باید همان فرایند حقوقی‌ای را طی کند که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و رویه اساسی مربوط به تعیین سیاست‌های کلی نظام وجود دارد. درخصوص بند الف ماده ۱۱۶ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، مجمع تشخیص مصلحت نظام باید این بند را نیز به علت مخالف‌بودن با بند ۵ سیاست‌های کلی قضایی (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸) اصلاح می‌کرد.

برای حل اساسی این مسأله، شایسته است نظام طراحی، پیشنهاد، تصویب، ابلاغ و به‌روزرسانی عناوین و متن سیاست‌های کلی نظام، با بازبینی «مصوبه مورخه ۱۳۷۶/۱۰/۱۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام درمورد سیاست‌های کلی»، از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام پیشنهاد و به تصویب مقام معظم رهبری برسد.

طراحی چنین نظامی باید در پایه، متکی به مطالعه‌ای بنیادی باشد. ازجمله، آیا می‌توان در موضوعی واحد، تصویب و ابلاغ یک سیاست کلی به جای سیاست کلی قبلی را نسخ سیاست کلی قبلی نامید؟ اگر پاسخ، مثبت باشد، نظام حقوقی نسخ، حاکم است و تجویزات علمی موضوع نسخ مطرح خواهد بود. اگر جواب منفی باشد، تغییر سیاستی مورد نظر، باید از چه نظام حقوقی‌ای تبعیت کند؟

حتی در صورتی که نظام حقوقی، نسخ حاکم دانسته شود، این نکته باید مدنظر باشد که به‌کاربردن نظام حقوقی نسخ «قانون» برای نسخ «سیاست‌های کلی نظام»، مستلزم تبیین‌ها و تجویزات علمی مخصوص است؛ مثلا ممکن است چنین تجویز شود که «سیاست کلی نظام» تنها با روش «صریح شخصی» قابل نسخ است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

نسخ صریح آن است که قانون‌گذار ضمن قانون تازه‌ای، منسوخ‌بودن قانون قدیم را اعلان نماید. این خود دو قسم است: الف- نسخ شخصی- یعنی نسخ قانون (یا قوانین) سابق با ذکر خصوصیات ... . ب- نسخ نوعی- در این نوع نسخ، خصوصیات قانون منسوخ بیان نمی‌شود، چنان‌که گفته می‌شود: «هر قانون مغایر با این قانون منسوخ است.» نسخ ضمنی: هرگاه دو قانون در یک مورد وارد شوند و جمع بین آنها به‌هیچ‌وجه میسر نباشد، قانون موخر به‌طور ضمنی کاشف از منسوخ‌بودن قانون مقدم است. نسخ عملی: هرگاه مدتی نسبتا طولانی به یک قانون معین عمل نشود، به نظر عده‌ای از علماء حقوق، قانون مذکور عملا منسوخ است ... (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۷۱۳-۷۱۲).

نتایج و پیشنهادها

در اینجا، نتایج حاصل از تحلیل‌های صورت‌پذیرفته به‌صورت یک مجموعه، تنظیم، و بر آن مبنا، پیشنهادهایی ارائه خواهد شد:

نتایج: ترتیب تنظیم نتایج، حدودا همان ترتیبِ تحلیل اطلاعات خواهد بود:

۱- از میان عنوان‌های تعیین‌شده (مصوّب) ذیل عنوان «امور قضایی»، تنها عنوان «امنیت قضایی» دارای سیاست‌های کلی «دائمی» [موضوعی] است.

۲- باید برای سایر عنوان‌های مصوب نیز – به‌ویژه، عنوان «حقوق عامه» که اولویت آن نیز تصویب شده است - سیاست کلی «دائمی» [موضوعی] طراحی، پیشنهاد، تصویب و ابلاغ شود.

۳- مجموعه عناوین سیاست‌های کلی قضایی با توجه به تاریخ تصویب آن (۱۳۷۶)، نیازمند به‌روزرسانی است.

۴- متن بعضی از «سیاست‌های کلی قضایی» (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸)، باتوجه به تحولات حاصله، نیازمندِ به‌روزرسانی است.

۵- «راهکار» «ارتقاء و ساماندهی نظام داوری با ... و تقویت و توسعه داوری حرفه‌ای و سازمانی ...» در «نسخه ارتقاءیافته سند تحول قضایی» را نمی‌توان جایگزین سیاست «۵- ... رسیدگی ماهوی قضایی به همه دادخواهی‌ها و تظلمات» (درسیاست‌های کلی قضایی (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸) دانست؛ و چنین است در مورد هر «راهکار» دیگر سند مذکور، نسبت به سیاست کلیِ راجع به موضوع آن «راهکار».

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

۶- شایسته‌است نظام جامع طراحی، پیشنهاد، تصویب، ابلاغ، و به‌روزرسانی عناوین و متن سیاست‌های کلی نظام – با بازبینی «مصوبه مورخه ۱۳۷۶/۱۰/۱۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سیاست‌های کلی» – از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، طراحی و به مقام معظم رهبری برای تصویب ارائه شود.

پیشنهادها: برمبنای نتایج بازتنظیم‌شده در بالا.

خلاصه پیشنهادها نیز به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

۱. طراحی، پیشنهاد، تصویب، و ابلاغ سیاست‌های کلی [موضوعی] برای عنوان [حقوق عامه] (دارای اولویت) و سایر عنوان‌های مصوب.
۲. به‌روزرسانی متن بعضی از سیاست‌های کلی قضایی (ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸)، ازجمله: بند «۵- ... رسیدگی ماهوی قضایی به همه دادخواهی‌ها و تظلمات».
۳. به‌روزرسانی مجموعه عناوین مصوب سیاست‌های کلی قضایی.
٤. طراحی نظام جامع [طراحی، پیشنهاد، تصویب، ابلاغ، و به‌روزرسانی عناوین و متن سیاست‌های کلی نظام] و ارائه به مقام معظم رهبری برای تصویب.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

فهرست منابع

کتاب‌ها

۱. الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۵). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات سمت.

۲. الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاد، فتاح (۱۳۹۴). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). ترمینولوژی حقوق. چاپ هفدهم. تهران: کتابخانه گنج دانش.

٤. دفت، ریچارد، ال (۱۳۷۹). تئوری و طراحی سازمان، جلد اول. چاپ دوم. ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۵. رضائیان، علی (۱۳۹۰). مبانی سازمان و مدیریت. چاپ پانزدهم. تهران: انتشارات سمت.

٦. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۹۰). تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و روش‌ها. چاپ بیست و سوم. تهران: دانشگاه پیام نور.

۷. طباطبائی موتمنی، منوچهر (۱۳۹۹). حقوق اداری. چاپ بیست و سوم. تهران: انتشارات سمت.

۸. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (کمیسیون مشترک). مجموعه سیاست‌های کلی نظام (تا ۱۴۰۲/۰۸/۱۶)، تاریخ چاپ: آبان ماه ۱۴۰۲.

۹. کمیسیون حقوقی و قضایی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام (تیر۱۳۹۰). مجموعه سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی ابلاغی نظام جمهوری اسلامی ایران. تدوین و گردآوری: محمدمهدی ولدخانی و امیرحسین پیردهقان. زیرنظر حبیب ا... شاملو، رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی دبیرخانه مجمع.

مقالات

۱. پویا، علیرضا؛ منیرنژاد، راضیه؛ سیبویه، علی (۱۳۹۸). «مدل‌سازی موانع اجرای تفکر سیستمی در سازمان‌ها با رویکرد ساختاری تفسیری». اولین کنفرانس ملی تفکر سیستمی در عمل.

۲. درویشی، یوسف و جهانی، داریوش (۱۳۹۴). «چالش‌های نگرش سیستمی در برنامه‌ریزی شهری ایران». همایش ملی معماری و شهرسازی هویت‌گرا.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

۳. غفاری‌نسب، اسفندیار و ایمان، محمدتقی (۱۳۹۲). «مبانی فلسفی نظریه سیستم‌های پیچیده»، روش‌شناسی علوم انسانی. ۱۹ (۷۶). ۵۹ — ۴۱.
٤. فراحی، محمدمهدی و وظیفه، رسول (۱۳۸۴). «رویکرد سیستمی در سنجش عملکرد سازمان‌های دولتی: چارچوب اقتضایی». همایش ملی مدیریت عملکرد.
٥. مهدوی، سیدمحمدصادق و باقری، دانیال (۱۳۹۸). «تحلیل و نقد نظریه‌ی سیستم‌های نیکلاس لومان». پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۹ (۱۰)، ۲۳۱-۲۵۳.

اسناد فرادستی، قانون‌ها و سایر متون مصوب

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳۶۸.
۲- مصوبه ۱۳۷۶/۱۰/۱۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سیاست‌های کلی.
۳- مصوبه ۱۳۷۷/۲/۵مجمع تشخیص مصلحت نظام دربارۀ اولویت‌های کلیات سیاست‌های کلی.
٤- نامه مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۲۵ رئیس وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام به مقام معظم رهبری دربارۀ کلیات سیاست‌های کلی و حکم مورخ ۱۳۷۷/1/۱۵ مقام معظم رهبری در مورد کلیات سیاست‌های کلی.
٥- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی (ابلاغی ۱۳۸۲/۸/۱۳).
٦- سیاست‌های کلی قضایی. ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸.
۷- سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله. ابلاغی ۱۳۸۸/۹/۲.
۸- سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه. ابلاغی ۱۳۷۲/۸/۱۸.
۹- سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه. ابلاغی ۱۳۷۸/۳/۱.
۱۰-سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه. ابلاغی ۱۳۸۲/۹/۲۰.
۱۱-سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه. ابلاغی ۱۳۸۷/۱۰/۲۱.
۱۲-سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه. ابلاغی ۱۳۹۴/۴/۹.
۱۳-سیاست‌های کلی برنامه هفتم. ابلاغی ۱۴۰۱/۶/۲۱.
۱٤-قانون آیین دادرسی کیفری. ۱۳۹۲.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]

۱۵-قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی که از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شده است.

۱۶-دستورالعمل نظارت و پی‌گیری حقوق عامه. شماره ۹۰۰۰/۵۳۷۹۸/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۳.

۱۷-.نسخه ارتقاءیافته سند تحول قضایی. منتشرشده در روزنامه رسمی کشور با شماره ۹۰۰۰/۱۳۹۲۳۵/۱۰۰ تاریخ ۱۳۹۹/۹/۳۰ . (https://www.rrk.ir/Law/)

۱۸-دستورالعمل ساماندهی حل‌وفصل اختلافات از طریق داوری و ایجاد و توسعه نهاد داوری. مصوب ۹۰۰۰/۷۵۷۷۵/۱۰۰ تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۳. (https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1681331)

۱۹-شیوه‌نامه نحوه جذب، آموزش، صدور و لغو پروانه داوری و تاسیس نهاد داوری. مصوب ۱۴۰۱/۴/۷ رئیس مرکز توسعه حل اختلاف.

منبع الکترونیک

۱- اعلام تعداد پروانه صادر شده در استان تهران و در کل کشور، بنابر اظهار معاون داوری و میانجی‌گری مرکز حل اختلاف قوه قضائیه مشاهده شده در تاریخ: ۱۴۰۲/۱۲/۳ (https://www.mizanonline/fa/news/4757197)

منبع انگلیسی

1. Stewart, Jenny & Ayres, Russell (2001). «Theory and Policy Practice: An Exploration». Policy Sciences. 34 (1). 79 – 94.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-27]

[DOI: 10.66224/qjal.12.42.129]